این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

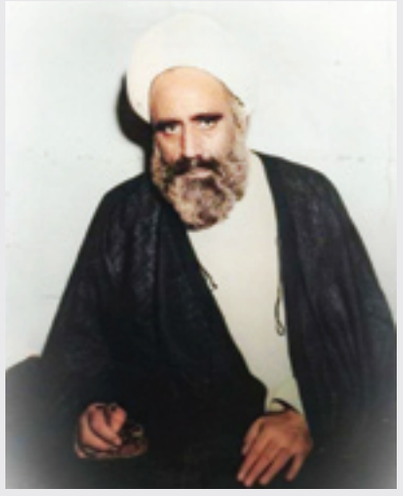

دلدادگی صاحب الغدیر به صدیقه کبری(س)

از ویژگی‌های علامه امینی(ره) صاحب کتاب الغدیر، عشق و ولای کامل او بود نسبت به آل محمد(ع) عشقی وصف ناشدنی که می‌توان گفت «الغدیر» نیز در اثر همین عشق نوشته شد. در مجالس با صدای بلند بر مصائب آل محمد(ص) می‌گریست به طوری که دیگران و به خصوص اهل منبر و نوحه‌خوانان تحت‌تأثیر گریه ایشان منقلب می‌شدند، گویا یکی از آل محمد در مجلس است و اگر گوینده مصیبت، نام حضرت زهرا(س) را می‌برد، آنگاه خون در رگ‌هایش متراکم شده و چونان کسی که ظلم بر ناموس او رفته فریاد می‌زد و همراه اشک بی‌امان، از چشمانش شعله آتش بیرون می‌زد.

سیمای فرزانگان، ص ۱۸۳، کانال تذکرة الاولیاء

اقتدار، امنیت می‌آورد

حسین هرندی با درج این تصویر توییت کرد: اقتدار، امنیت می‌آورد...!
(یک عکس با هزار معنا از نمایشگاه هوافضا)

اینجا سوئیس نیست لاهیجانه

طناز ارجمند نوشت: قبول کنید، سوئیس هرچی هم قشنگ باشه، پیش لاهیجان خودمون هیچی نیست.

ملت چین انتخاب کرده تا برده امریکا نباشد

سیمیولین کاربر چینی توییت کرد: در نگاه امپریالیسم شما یا برده هستید یا دشمن نگاه سومی وجود ندارد. ملت چین ترجیح داده به عنوان دشمن یا رقیب دیده شود، نه یک برده! ملت‌های دیگر انتخاب با خودشان است.

گرامی‌داشت یاد و خاطره حسن طهرانی‌مقدم از سوی کاربران فضای مجازی به مناسبت سالگرد شهادت وی

ما قدرت موشکی شدیم چون او منتظر واشینگتن نماند!

چند روز پیش سالگرد شهادت حسن طهرانی‌مقدم، پدر موشکی ایران بود. کاربران فضای مجازی به این مناسبت در شبکه‌های مجازی یاد و خاطره او را گرامی داشتند.

اختر بهاری
فروتن بود و بی‌ادعا. در رسانه‌ها نبود، در قلب میدان بود. میدان آزمایش موشک‌نامش را کمتر می‌شنیدیم اما دستاوردهایش، آوازه ایران شد. الگوی کامل مدیریت جهادی: شهید حسن طهرانی مقدم.

یاسمین سادات
ما صاحب موشک شدیم، چون او منتظر واشینگتن نماند! و مشکلات «پوشکی» از وقتی ایجاد شد که به انتظار واشینگتن نشستیم و گفتیم او با یک دکمه سیستم دفاعی ما را از کار خواهد انداخت!
#پدر_موشکی_ایران

یاسی رزاقیان
شهید طهرانی‌مقدم معروف به پدرموشکی، موشک‌هایی که در جنگ ۱۲روزه پدر صهیونیست‌ها را در آورد و ترامپ را مجبور به التماس کرد وگرنه الان اثری از صهیونیست‌ها نبود.

مریم هانی
ما فقط داستان آرش کمانگیر رو شنیده بودیم ولی تو دوران خودمون دیدیمش.

زهرا دنیایی
نقش دانش بومی در اقتصاد مقاومتی، تبدیل تهدید تحریم به فرصت بود؛ شهید با بومی‌سازی قطعات حساس، زنجیره تأمین داخلی را ایجاد کرد و هزاران شغل پایدار در صنایع دفاعی و دانش‌بنیان به وجود آورد.

معصومه مهری
فکر میکنم بالاخره توی جنگ ۱۲روزه همه متوجه شدن چرا شهید طهرانی‌مقدم این متن رو برای سنگ قبرشون انتخاب کردن... یک ایران بهتون افتخار میکنه پدر_موشکی ایران

محبی
روحت شاد مرد بزرگ چه کردی با اسقاطیل... سالگرد شهادت پدرموشکی ایران هدیه به روح بزرگشون صلوات.

حلما
نتیجه ۳۰سال کار جهادی وسختی‌ها و بی‌خوابی‌های شهید طهرانی‌مقدم رو در جنگ ۱۲روزه مقابل رژیم صهیونیستی دیدیم. روحت شاد پدر موشکی ایران.

مهدی
سردار «حسن طهرانی مقدم» کجایی که ببینی آرزوت «نابودی اسرائیل» داره برآورده میشه سالروز شهادت «پدر موشکی» ایران گرامی‌باد.

نوبهاری
شهید طهرانی‌مقدم به ما آموخت که با تکیه بر ایمان و دانش داخلی می‌توان قله‌های علم و فناوری، حتی پیچیده‌ترین حوزه‌ها مانند هوافضا و موشک را فتح کرد. او نماد مدیریت جهادی و خستگی‌ناپذیر بود.

سپیده کاوندی
حاج حسن طهرانی‌مقدم ۱۲روز اسرائیل رو شخم زدیم چیزی تا پایان و نابودی نمونده.

دلاوری
ما جنگ ۱۲روزه رو با درایت پدر معنوی ایران و پرکردن دست‌مون به وسیله پدرموشکی ایران بردیم.

مادر بهار
«ما می‌توانیم» شعار نبود، باور او بود. شهید حسن‌طهرانی مقدم، پدرموشکی ایران، با قلبی مملؤ از ایمان و ذهنی مملؤ از دانش، در سخت‌ترین شرایط، رؤیای موشک‌های دوربرد را به واقعیت تبدیل کرد. او ثابت کرد که «تحریم» نه تنها مانع نیست، بلکه محرکی برای خودکفایی است.

نظم‌الدینی
بخشی از وصیتنامه شهید طهرانی‌مقدم: هر وقت به یاد من افتادید برای شادیم یاد و ذکر اهل بیت(ع) و ذکر مصیبت آقا اباعبدالله و ائمه اطهار(ع) نمایید. روحشون شاد و با اولیای الهی محشور باد.

هلالی
شهید حسن تهرانی مقدم: روی قبرم بنویسید اینجا مدفن کسی است که می‌خواست اسرائیل را نابود کند. سالروز شهادت پدر علم موشکی ایران گرامی باد.

سالاری
رونمایی از جدیدترین دیوارنگاره میدان ولیعصر به یاد سرداران شهید حاجی‌زاده و محمود باقری و به مناسبت سالروز شهادت پدر موشکی ایران شهید طهرانی مقدم؛ روحشون شاد و راهشون پر رهرو.
ان‌شاءالله تا نابودی کامل اسرائیل.

خانم باغی‌پور
از دل خاک برخاست و سقف آسمون ایران رو بالا برد...هر جا گفتن «نمی‌شه» لبخند زد و شد معنای اراده. تا همیشه نامت کنارِ غرور این خاک می‌مونه .

فاطمه مولایی
پدر موشکی ایران، می‌گفت: قلبم به درد می‌آید وقتی ولی‌فقیه ما دستش مقابل اجنبی خالی باشه. ما باید دستش رو پر کنیم.

نرگس عطرین
نامت: حسن تهرانی مقدم
لقبت: پدر موشکی ایران
یادگارت: اقتدار موشکی ایران و آرزوی‌مان شادی تو در جوار رحمت حق.

حامد صراف‌پور
خون سیاوش، کمان آرش! یاد و خاطره و شهادت افتخارآمیز سردار بزرگ ایرانی، پدر موشکی ایران، حسن تهرانی‌مقدم گرامی‌باد!

نگین سریری
از سوراخ کلاش، پیروزی به‌دست نمی‌آید! این جمله را در دفترچه یادداشتش در جبهه نوشته بود، آن‌زمان که قلبش از خالی‌بودن دست رزمندگان در رنج بود، در سر، آرمان‌های بزرگی می‌پروراند. آرمان‌هایی که محقق‌شان کرد و شد #پدرموشکی ایران.

«مراقبت پرورشی» برای رشد مطلوب شناختی

کانال ترجمان علوم انسانی نوشت: در ژوئیهٔ ۲۰۲۴، مجله اکونومیست روی جلد خود تصویری از مغزی طلایی به‌شکل کره زمین منتشر کرد با این تیتر بزرگ: «چگونه بهره‌هوشی جهان را افزایش دهیم؟». پرونده اصلی این شماره به رشد شناختی کودکان می‌پرداخت و بر پایه مجموعه‌ای از پژوهش‌ها بر اهمیت تغذیه، تحریک شناختی و مراقبت عاطفی در سال‌های ابتدایی زندگی تأکید می‌کرد. اما با نگاهی دقیق‌تر روشن بود که مخاطب این «دعوت جهانی» عملاً تنها بخشی از جهان است: کشورهای موسوم به جنوب جهانی. در سال‌های اخیر، رشد شناختی کودکان به یکی از اولویت‌های کلیدی برنامه‌های توسعه تبدیل شده است. نهادهای جهانی چارچوب‌هایی برای بهبود رشد دوران کودکی طراحی کرده‌اند که هدف‌شان تقویت ظرفیت‌های ذهنی کودکان از طریق آموزش والدین است. منطق این مداخلات بر دو فرض کلیدی استوار است. نخست اینکه رابطه والدین با کودک در سال‌های آغازین زندگی می‌تواند ساختار مغز او را شکل دهد؛ و دوم اینکه نوع خاصی از فرزندپروری که در ادبیات سیاستگذاری با عنوان «مراقبت پرورشی» شناخته می‌شود — برای رشد مطلوب شناختی و عاطفی ضروری است.

در این چارچوب، مراقبت از کودک معمولاً با مجموعه‌ای از توصیه‌های نسبتاً ثابت همراه است: صحبت کردن با نوزاد حتی پیش از تولد، خواندن کتاب، بازی روزانه، تماس چشمی مکرر و ایجاد محیطی امن و قابل پیش‌بینی. این مدل در اسناد نهادهای بین‌المللی با شعارهایی مانند «ساختن مغز، ساختن آینده» معرفی می‌شود و به‌عنوان ابزاری برای شکستن چرخه فقر تبلیغ می‌شود. بانک جهانی حتی تخمین‌زده که هر دلار سرمایه‌گذاری در این حوزه می‌تواند تا ۱۳دلار بازگشت اقتصادی به همراه‌داشته‌باشد. اما این روایت زمانی معنا و کارکرد پیدا می‌کند که به‌عنوان پیش‌فرضی نانوشته بپذیریم که الگوهای رایج فرزندپروری در کشورهای جنوب جهانی برای رشد کودک کافی نیستند. در این چارچوب، فقر و نابرابری نه به ساختارهای اقتصادی یا تاریخی، بلکه به رفتارهای نادرست تربیتی نسبت داده می‌شود. به‌جای اینکه نهادها مسئول عقب‌ماندگی در پیشرفت باشند، خانه‌ها مقصر جلوه داده می‌شوند؛ کودک «در معرض خطر» و والدین «آموزش‌ندیده» معرفی می‌شوند و نهادهای بین‌المللی مأمور اصلاح این وضعیت می‌شوند.

این منطق یادآور گفتمان‌های آشنای استعمارگرایانه است. واژه‌ها تغییر کرده‌اند اما ساختار استدلال همان است. زمانی از «عقب‌ماندگی نژادی» سخن گفته می‌شد، امروز از «کمبود مراقبت اولیه»، «ظرفیت مغزی تحقق‌نیافته» یا «محرومیت از تغذیه و تحریک شناختی» صحبت می‌شود. اما آنچه از آن سؤالی به میان نمی‌آید، این است که معنای «مراقبت کافی» دقیقاً چیست؟ این علم مراقبت از فرزند در چه بستر فرهنگی ساخته شده است؟ و آیا اصلاً امکان دارد که همه مردم جهان فرهنگ خود را کنار بگذارند و پیروی آن شوند؟

آنچه خواندید برگرفته‌ای از بخش‌های ابتدایی مطلبی نوشته فرانسسکا مزنزانا و گابریل شایدکر، با عنوان «Hegemony and childcare» است که در تاریخ ۲۷ فوریه ۲۰۲۵ در وب‌سایت ایان منتشر شده است.

زیرکی بفروش و حیرانی بخر

علی سلطانی در کانال هامش نوشت: ما در جهان افسون‌زدایی‌شده جدید کمتر دچار حیرت می‌شویم؛ کمتر جهان را رازآلود می‌یابیم. ما در جهان دقت، استعداد حیرت را باخته‌ایم. به همین دلیل زمینه حیرت را باید پرورد. هنر حیرت را به قول مولانا باید خرید! (عقل بفروش و هنر حیرت بخر/زیرکی بفروش و حیرانی بخر، زیرکی ظنست و حیرانی نظر). یکی از راهبران حیرت، فکر به مرگ است. نه فکر انتزاعی و فلسفی که وجودی و تنبیهی. در این راه من به اشخاص نسبتاً مشهور فکر می‌کنم. «نسبتاً» را خواهم گفت چرا. آنهایی که اندکی می‌شناسیم‌شان. آنهایی که در خاطره جمعی نسل ما حاضر بوده‌اند. ولی در این حد حاضر که نمی‌دانم هنوز زنده‌اند یا نه. خیلی مشهورها را می‌دانیم. سپس بررسی می‌کنم واقعاً زنده‌اند یا خیر. بارها شده که می‌فهمم سال‌هاست مرده‌اند و امثال من نشنیده بوده یا فراموش کرده‌اند و اینجاست که حیرت و تنبه با هم من را فرامی‌گیرد. آنان مرده‌اند، بی‌آنکه اینقدر هنوز مهم باشند، که ما بدانیم مرده‌اند. همزمان اینکه آدم‌های مهمی بوده‌اند. گویی سایه‌روشن خاطره‌شان فقط برای همین مانده که ما بگردیم و بفهمیم که مرده‌اند. بی‌آنکه آبی از آب تکان بخورد، بی‌آنکه هیچ‌خللی از نبودن‌شان در جهان ایجاد شده باشد. و همزمان بی‌آنکه در حافظه ما یکسره مرده باشند. مرگ چنین صیاد ماهری است و آسیابش چنین نرم و کم‌صدا می‌چرخد و می‌برد! پ. نوشت: این آزمون را با دوبلورها زیاد انجام می‌دهم. «صدای» مخملین دوبلورها بیشتر در حافظه ما حاضرست. و نه سیمای‌شان! صدای زیبایی که مانده و صاحب صدایی که نیست. بی‌آنکه نبودنش پیدا باشد. بی‌صدا و بی‌خبر! و برای همین مثال‌های تکان‌دهنده‌تری‌اند. برای همین حیرت غیبت مرگ‌آلودشان بیشتر است. امروز صدای کم‌نظیر حسین عرفانی را شنیدم. نمی‌دانستم زنده است یا نه. رفتم و گشتم و فهمیدم که بیش از هفت سال پیش درگذشته! شهلا ناظریان، همسر دوبلورش نیز بیش از سه سال پیش! صدای هر دویشان را زیر تاریخ مرگشان در ویکی‌پدیا، می‌شود شنید! زیر همان تاریخ که برای من مبهم بود! با همان صدایی که روزی آن را نیز کسی نخواهد شناخت!

«یک نبرد پس از دیگری» اکشن، سیاست و روابط انسانی در یک امریکای افراطی

کانال به‌وقت‌سینما نوشت: فیلم «یک نبرد پس از دیگری» روایتگر باب فرگوسن (با بازی لئوناردو دی کاپریو) است؛ انقلابی سابق که سال‌هاست از جامعه فاصله گرفته و در انزوای خود با دختر نوجوانش، ویلا، زندگی می‌کند. باب اکنون در حالت پارانویاست و با مصرف ماری‌جوانا و خاطرات گذشته، زندگی آرامی دارد. اما وقتی دشمن قدیمی او پس از ۱۶سال بازمی‌گردد و ویلا ناپدید می‌شود، باب ناچار می‌شود یاران قدیمی گروه انقلابی خود را دوباره گرد هم آورد. داستان، تعقیب و گریز هیجان‌انگیز، عملیات مخفی و لحظات اکشن نفس‌گیر را با بررسی عمیق عواقب گذشته سیاسی و اجتماعی ترکیب می‌کند. فیلم نه تنها اکشن و هیجان دارد، بلکه به رابطه پدرودختر، تأثیرات گذشته بر حال، مبارزه با فاشیسم و نژادپرستی و عواقب خشونت سیاسی می‌پردازد. طنز تلخ و لحظات انسانی فیلم باعث می‌شود، مخاطب هم درگیر هیجان شود و هم با شخصیت‌ها همذات‌پنداری کند.

کشف حشره شیطانی در استرالیا

دانشمندان استرالیایی گونه‌ای تازه از زنبور بومی را شناسایی کرده‌اند که با شاخ‌های کوچک و روبه‌بالای خود ظاهری شبیه شیاطین دارد؛ ویژگی که الهام‌بخش نام آن یعنی «لوسیفر» شده است. گونه جدید با نام علمی Me-achilelucifer در جریان بررسی‌های میدانی روی یک گل وحشی در معرض انقراض در منطقه «گُلدفیلدز» واقع در غرب استرالیا در سال ۲۰۱۹ کشف شد. جزئیات این کشف در پژوهشی که دوشنبه گذشته در نشریه Journal of Hymenoptera Research منتشر شد، ارائه شده است. به گفته کیت پرندرگست، نویسنده اصلی این مطالعه و پژوهشگر وابسته به دانشگاه «کرتین»، شاخ‌های روبه‌بالای زنبور ماده باعث شد نام اینگونه شیطان گذاشته شود. او توضیح داد: «وقتی در حال نگارش مشخصات گونه جدید بودم، همزمان سریال لوسیفر را در نتفلیکس تماشا می‌کردم و احساس کردم این نام کاملاً برازنده آن است.» آزمایش‌های ژنتیکی نشان داد این زنبور با هیچ‌یک از گونه‌های موجود در پایگاه‌های داده علمی مطابقت ندارد و نخستین عضو جدید از این گروه در بیش از دو دهه گذشته به شمار می‌رود. بر اساس یافته‌های محققان، طول هر شاخ این زنبور ماده حدود ۰/۹ میلی‌متر است. این شاخ‌ها احتمالاً برای دسترسی به گل‌ها، رقابت بر سر منابع یا دفاع از لانه کاربرد دارند؛ هرچند عملکرد دقیق آنها هنوز مشخص نیست. زنبورهای نر این گونه فاقد شاخ هستند. طبق آمار سازمان علمی ملی استرالیا، این کشور حدود ۲هزار گونه زنبور بومی دارد که بیش از ۳۰۰گونه از آنها هنوز به‌طور رسمی شناسایی و توصیف نشده‌اند.

غرب دقیقاً از کدام تمدن حرف می‌زند؟

کانال مکتوب نوشت: دهه ۹۰ در جریان جنگ بوسنی هرزگوین تاجران ایتالیایی بین ۸۰ تا ۸۸ هزار پوند به مقامات ارتش صرب‌ها پول می‌دادند تا به شکار انسان بروند!
موضوع از این قرار بود که هر هفته چند تاجر با پرداخت پول می‌توانستند بروند و با اسلحه دوربین‌دار غیر نظامیان را شکار کنند. اسمش را هم گذاشته بودند سافاری انسانی. برای شکار کودکان تعرفه فرق می‌کرد و بالاتر بود. یک کوچه به اسم کوچه تک‌تیراندازان نامگذاری شده بود و عمدتاً تأجران از راست‌گراهای افراطی ایتالیا بودند. وقتی فیلمی را سال ۲۰۲۳ با این موضوع ساختند، چندین شاهد به دادگاه‌های ایتالیا مراجعه کردند و گفتند این موضوع حقیقت دارد. گردشگران از شهر تریسته با پرواز صرب به بلگراد می‌رفتند تا به اصطلاح در شکار آخر هفته حضور پیدا کنند. چندین دکتر، چندین مهندس و چند وکیل جز همین پرونده هستند که در جریان افتاده. غرب دقیقاً از کدام تمدن حرف می‌زند؟

چه شد که برای اولین بار تل‌آویو را هدف قرار دادید

کانال محلل نوشت: وقتی از شهید محمد ضیف پرسیدند چه شد که برای اولین بار تل‌آویو را هدف قرار دادید؟ وی گفت دشمن به سمت آخرین گزینه خود رفت و ما نیز آخرین گزینه خود را اجرا کردیم. امروز ۱۴ نوامبر، سالگرد شهادت احمد الجعبری، معاون فرماندهی گردان‌های قسام است که در سال ۲۰۱۲ در غزه ترور شد. بدین وسیله جنگ حجاره السجیل آغاز شد که در آن مقاومت از چند توانمندی کیفی خود رونمایی کرد. در اولین گام، قسام با یک راکت فجر۵ برای اولین بار تل‌آویو را هدف قرار داد. به زودی راکت‌های M75 وارد شده و بئر السبع نیز وارد دایره آتش مقاومت شد. مقاومت به سمت دو کشتی ارتش رژیم با موشک‌های زمین به دریا آتش گشود و برای اولین بار از امکانات سایبری خود رونمایی کرد، جایی که بیش از ۵هزار دستگاه ارتباطی و مخابراتی رژیم هک شده و پیام‌هایی به زبان عبری از برخی شبکه‌های دشمن پخش شد. در این جنگ مقاومت حدود ۲هزارو ۱۰۰ راکت و خمپاره شلیک کرد که منجر به کشته شدن ۱۹نفر و زخمی شدن بیش از ۶۰۰صهیونیست شد. با وساطت مصر مذاکراتی شکل گرفت که منجر به آتش‌بس و کاهش برخی محدودیت‌ها و فشارها بر غزه از سوی اشغالگر شد.

تصویر منتخب

ندوشن، روستایی تاریخی در دل کویر یزد
خانه‌های خشتی، قنات زلالی که از میان روستا می‌گذرد و هوای دلپذیر دامنه‌های شیرکوه، سفری به دل تاریخ و طبیعت